



بررسی تطبیقی اصول حاکم بر ایفاء تعهد در اسناد تجاری و حقوق مدنی ایران با نگاهی بر کنوانسیون ژنو

مهدی یوسفی صادقلو*

شیدا صوفی جان**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۵/۰۵

چکیده

اسناد تجاری معرف تعهد به پرداخت مبلغ معینی به دارنده سند تجاری است. تعهداتی که در اسناد تجاری خاص، چک، سفته، برات منعکس است به تعهد برواتی تعبیر شده است، هدف اصلی تجار در استفاده از اسناد برواتی: جایگزینی پول، سرعت، امنیت و دقت در انتقال دین یا ضمیمه نمودن تضمیناتی به عنوان ضامن در قالب مسئولیت تضامنی می‌باشد. اختلاف نظر در مباحثی همچون: مشروعیت یا عدم مشروعیت مطالبه خسارت تاخیر در ایفاء تعهدات برواتی؛ امکان ایفاء پیش از موعد مقرر در سند تجاری؛ وجوه افتراق ایفاء تعهد برواتی و مدنی، که نظام حقوقی ایفاء این تعهدات را از قواعد عام وفای به عهد در قانون مدنی متمایز می‌نماید تماماً در نوشتار حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

کلید واژه‌ها

اسناد تجاری، برات، سند براتی، اصول حاکم بر اسناد تجاری.

*. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، استادیار دانشگاه پیام نور، دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه لیموژ فرانسه.

Email: m_yousefi_lawer@yahoo.Com

(نویسنده مسئول)

** دایدار دادسرای عمومی، مدرس دانشگاه پیام نور.

مقدمه

وفای به عهد مطابق قانون مدنی یکی از اسباب سقوط تعهد است، قانون مدنی با در نظر گرفتن مبانی فقهی و قانون مدنی فرانسه اصول حاکم بر ایفاء تعهد اعم از تعهد براتی و غیربراتی را مورد حکم قرار داده است، لیکن، اسناد بازرگانی با توجه به رسالت اصلی آنها در روابط اقتصادی که جایگزینی پول نقد است، در ارتباط با اصول حاکم بر ایفاء تعهد ناشی از سند تجاری، تابع قواعدی هستند که در برخی وجوه با قواعد عمومی حاکم بر ایفاء تعهد تفاوت دارد. این تفاوت در قانون تجارت ۱۳۱۱ نیز مشاهده می‌شود. با وجود این به دلیل ابهام موجود در این قانون که بیش از همه در ارتباط با مقررات حاکم بر اسناد بازرگانی مشهود است، دکترین حقوقی و رویه قضائی در تفسیر اصول حاکم بر ایفاء تعهد براتی دچار اختلاف نظر هستند، این اختلاف عمدتاً ناشی از ابهام موجود در حدود اعمال قواعد عمومی حاکم بر ایفاء تعهد بر ایفاء تعهد براتی است، این تحقیق به دنبال آن است که با مقایسه قواعد عمومی وفای به عهد در قانون مدنی و قواعد ایفاء تعهد براتی در قانون تجارت و وجه اشتراک و افتراق در نظام حاکم بر ایفاء تعهد در قوانین فوق‌الذکر را شناسائی و تبیین کند و راهکارهای مناسب برای اصلاح و ترمیم ضعف‌های موجود ارائه دهد.

از لحاظ نظری میان آثار عقد و تعهد می‌توان تفاوت قائل شد گرچه از لحاظ عملی میان آثار تعهد قراردادی و عقد ارتباط فراوان و ناگسستگی وجود دارد.

«آثار عقد را به اعتبار اجرای آن به دو گروه می‌توان تقسیم کرد: ۱- آثاری که همراه با عقد و بیدرنگ به وجود می‌آید و با نفوذ عقد ملازمه دارد. ۲- اثری که بر عهده یکی از دو طرف یا هر دو باقی می‌ماند و به ذمه تعلق می‌گیرد.

تملیک (عین خارجی) اسقاط و انتقال دین و ایجاد اذن و اباحه (عقود اذنی) و ایجاد شخصیت حقوقی و حبس (وقف) را باید در گروه نخست آورد که خود به خود و با عقد تحقق پیدا می‌کنند» (کاتوزیان، ۲ ص، ۱۳۸۰). ولی زمانی که عقد تعهدی به وجود می‌آورد، پس از وقوع عقد اجرای آن هنوز مطرح است مانند اینکه کشاورزی صد خروار برنج مزرعه خود را می‌فروشد که در پاییز آینده و پس از برداشت محصول تحویل دهد یا اینکه شوهری ملتزم می‌شود که هزینه معاش خانواده را تأمین کند آثار گروه نخست را به «شرط نتیجه» و گروه دوم را به «شرط فعل» می‌توان شبیه دانست و قابل ذکر که قرارداد ممکن است هر دو اثر را با هم داشته باشد «اجرای مفاد عقد ممکن است به اختیار انجام پذیرد و مدیون آنچه را برعهده دارد انجام دهد در قانون مدنی وفای به عهد در زمره اسباب سقوط تعهد آمده است (م ۲۶۴ ق. م.» (کاتوزیان، ۳ ص، ۱۳۸۰)، ولی اگر مدیون به میل خویش تعهد را اجرا نکند طرف قرارداد می‌تواند اجبار او را از دادگاه بخواهد در مرحله اجرای اجباری عقد است که ضمانت اجرای حقوقی آن ظاهر می‌شود و اجرای مفاد پیمان را تحمیل می‌کند.

۱- اصول حاکم بر تعهدات برواتی

۱-۱- تفاوت نوع موضوع در تعهد براتی و مدنی

تعیین موضوع تعهد براتی جزء مندرجات اجباری صورت برات و از شرایط شکلی صدور آن می‌باشد، ضمانت اجرای آن نیز در م ۲۲۶ قانون تجارت بیان گردیده است و از لزوم تعیین مبلغ برات مشخص می‌شود که موضوع این سند صرفاً تعهد پولی است برخلاف تعهدات مدنی و با کمی دقت در دو واژه مبلغ و وجه در مواد ۳۰۷ و ۳۱۰ قانون تجارت پی می‌بریم که این موضوع نیز در مورد سفته و چک که دنباله رو برات می‌باشند ساری است اگر چه در برات ممکن است مبلغ سند ریال و یا در مواردی ارز خارجی باشد و تفاوتی نمی‌کند که سند در ایران و یا در خارج تنظیم شود و در تأیید این مطلب به یک رأی اشاره می‌نمائیم.

«... خواسته خواهان مطالبه بیست و دو هزار دلار آمریکا وجه یک فقره برات می‌باشد با توجه به محتویات پرونده اصالت و صحت برات مستند دعوی محل بحث و اختلاف نیست و وجود آن در ید خواهان ظهور بر مدیونیت خواننده به او دارد...» (حکم مورخه ۱۳۷۴/۸/۲ شعبه ۵ دادگاه عمومی تهران) در تأیید این موضوع وفق بند دوم ماده اول پیمان بین‌المللی ژنو «دستور بدون قید و شرط پرداخت مبلغی معین» باید منعکس شود و در غیر این صورت طبق ماده دوم، سند از عداد بروات خارج خواهد بود، (صقری محمد، ۱۳۸۰، ص ۴۹) اما چنین دستوری مبنی بر عدم قید شرط در پرداخت در م ۲۳۳ ق ت ایران به چشم نمی‌خورد و به نظر می‌رسد این امر در فرم چاپی برات تأمین گردیده زیرا جایی برای درج شدن در این فرم وجود ندارد. و همچنین در مورد اینکه آیا قید مبلغ برات به رقم موجب خروج برات از مقررات باب چهارم می‌باشد یا خیر. برخی از نویسندگان به این پرسش پاسخ منفی داده‌اند. (صقری محمد، ۱۳۸۰، ص ۵۴) و معتقدند به موجب ماده ۲۲۶ قانون تجارت ضمانت اجرای قید شرایط اساسی ماده ۲۲۳ ملاحظه می‌گردد. ولی در این متن قانونی اشاره‌ای به لزوم درج تاریخ با حروف اشاره‌ای نشده است. در رویه عملی دیوان عالی کشور در این خصوص این‌گونه از قانون تفسیر نموده‌اند که:

«... در ماده ۲۲۳ راجع به برات که نظیر فته طلب است شرایط لازمه ذکر شده و در ماده ۲۲۶ بعضی از شرایط و همچنین شرط نوشته شدن مبلغ به تمام حروف که در م ۲۲۵ مذکور است در شرایط اساسی مقرر نگردیده...» (حکم ش ۱۳۵۵۴ - ۱۲۵۹ مورخه ۱۳۱۶/۵/۳۱ شعبه چهارم دیوان عالی کشور) و نویسندگان حقوقی دیگری نیز معتقدند نوشتن مبلغ برات به رقم موجب بطلان برات نمی‌شود...» (ستوده تهرانی حسن، ۱۳۹۳، ص ۳۱) شایسته است به این مسأله پرداخته شود که آیا در شرایط و اوضاع و احوال خاص امکان پرداخت موضوع دیگر غیر از موضوع تعهد براتی وجود دارد یا خیر؟

همانطور که پیش از این گفته شد موضوع برات تنها پول و وجه نقد است و تغییر آن به کالا یا عمل و مال دیگر امکان‌پذیر نیست لیکن تفاوتی در نوع ارز یا ریال نیست و طبق م ۲۵۲ قانون تجارت: «پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می‌آید» مطالبه وجه برات مستلزم ارائه خود برات است و

در م ۳۹ قانون متحدالشکل ژنو به‌طور واضح تصریح گردیده است: «براتگیر می‌تواند با پرداخت برات درخواست کند که برات از طرف دارنده آن با اعلام رسید به او تسلیم شود» در مورد تغییر نوع پول نیز طبق م ۴۱ قانون متحدالشکل ژنو: «وقتی که پرداخت به پولی تعیین شده است که در محل پرداخت رواج ندارد و مبلغ آن ممکن است به پول کشور براساس ارزش آن در سررسید پرداخت گردد اگر بدهکار تأخیر کند دارنده برات می‌تواند به انتخاب خود تقاضا کند که مبلغ برات به پول کشور یا به نرخ روز سررسید یا به نرخ روز پرداخت تأدیه شود» البته رسوم محل پرداخت برای تعیین ارزش پول خارجی در نظر گرفته می‌شود ولی براتکش می‌تواند تصریح نماید که مبلغ بر اساس نرخی که در برات شرط شده پرداخت گردد و قاعده‌ی فوق شامل موردی که براتکش تصریح کرده است که پرداخت باید به یک پولی که تعیین شده است به عمل آید، نخواهد بود. (شرط برات مؤثر با پول خارجی) طبق نظر برخی از نویسندگان حقوقی (ستوده تهرانی حسن، ۱۳۸۳، ص ۸۰)، چنانچه مبلغ برات به یک نوع پول تعیین شده باشد که گرچه به یک نام است ولی دارای ارزش مختلفی در کشور صدور و کشور پرداخت باشد، پول کشور پرداخت منظور نظر است، لازم به ذکر است که تمامی این اصول در صورتی در نظر گرفته می‌شود که مقررات ارزی در کشور معنی برای پرداخت تعهد براتی به پول خارجی پیش‌بینی نکرده باشند.

امکان تجزیه پذیری موضوع تعهد

از آنجای که موضوع تعهد ممکن است منقسم به قسمت‌های مختلفی باشد و منظور و مراد طرفین تعهد از انعقاد عقد امکان تجزیه-پذیری و یا عدم امکان تجزیه‌پذیری می‌باشد از این رو لازم است به موضوعاتی همچون امکان ایفاء بخشی از موضوع تعهد را مورد بررسی قرار دهیم: مطابق قواعد مدنی مدیون نمی‌تواند در موقع ایفاء تعهد بخشی از موضوع تعهد را تأدیه نماید (م ۲۷۷ قانون مدنی) این قاعده در حقوق مدنی به یک اصل تبدیل شده است ولی در قانون تجارت طبق ماده ۲۶۸ این امر کاملاً بر عکس است و مسؤول سند تجاری می‌تواند در موقع پرداخت وجه سند تنها بخشی از مبلغ مندرج در سند را تأدیه نماید. در این صورت نسبت به آن بخش پرداختی همه‌ی مسؤولین برات پیدا می‌کنند. در کنوانسیون ژنو نیز وفق قسمت اخیر ماده ۳۹ سرانجام این قاعده را پذیرفته شد «دارنده نمی‌تواند پرداخت بخشی از وجه برات را رد نماید».

طبق نظر برخی از نویسندگان حقوقی وضع این قاعده خاص در حقوق تجارت به علت ویژگی‌ها و امتیازات خاصی است که این اسناد برخوردار باشند و مبتنی بر دو اصل است: اول اینکه در این مورد تنها دارنده‌ی برات ذی‌نفع نیست بلکه به کاهش مسؤولیت و نفع مسؤولین دیگر برات نیز توجه شده است یعنی به همان میزان از تعهد سایر مسؤولین برات کاسته می‌شود ثانیاً تاجر همواره می‌تواند وجوه دریافتی

را در دنیای تجارت به کار اندازد این مسأله نه تنها در قانون ایران بلکه در بندهای ۲ و ۳ ماده ۳۹ قانون متحدالشکل ژنو تصریح شده و به شرح ذیل است:

«دارنده برات نمی‌تواند پرداخت قسمتی از وجه برات را رد نماید. در صورت پرداخت قسمتی از برات، برانگیر می‌تواند درخواست کند که این پرداخت روی برات قید شود و به او رسید داده شود.»
طبق نظر برخی از نویسندگان حقوق تجارت، (ستوده تهرانی حسن، ۱۳۸۳، ص ۸۴) قسمت اخیر ماده‌ی فوق اگر چه در قانون تجارت ایران پیش‌بینی نشده ولی طبق عرف و عادت تجاری در مواردی که قسمتی از وجه برات پرداخت می‌شود پرداخت کننده مبلغ پرداختی را روی برات قید می‌کند و در رسید جداگانه نیز اخذ می‌نماید و در صورتی که دارنده برات از دریافت قسمتی از برات امتناع کند حق رجوع او نسبت به سایر مسؤولین برات ساقط خواهد شد و حتی نسبت به آن مبلغ نیز نمی‌تواند مبادرت به اعتراض عدم تأدیه کند.

قاعده فوق با توجه به ماده‌ی ۳۰۹ ق ت در مورد فته طلب لازم الرعایه می‌باشد ولی در مورد چک، نص صریح قانون وجود ندارد به‌نظر می‌رسد با دقت در با دقت در ماده ۳۱۴ قانون تجارت که موارد مشمول مقررات براتی نسبت به چک را تصریح به مباحث ضمانت صادر کننده و ظهرنویس‌ها، اعتراض، اقامه دعوی، ضمان و مفقود شدن محدود نموده است و همچنین ماده ۵ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ و اصلاحات بعدی آن که مقرر می‌دارد: «در صورتی که موجودی حساب صادر کننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد به تقاضای دارنده چک، بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به دارنده چک بپردازد و ...». لذا به نظر می‌رسد پذیرفتن قسمتی از موضوع تعهد توسط متعهد له تکلیفی نیست و به اختیار دارنده‌ی سند واگذار شده است و چه بسا در مورد چک به جهت وجود حساسیت بالای این سند و شرایط ویژه‌ی آن به ویژه جایگزینی به جای اسکناس قانون‌گذار به سمت قواعد عام قانون مدنی متمایل گردیده است که متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید.

۱-۲- زمان ایفای تعهد براتی

مطابق ماده ۲۴۱ قانون تجارت تعهد براتی ممکن است حال (به رؤیت) یا وعده‌دار باشد وعده‌ی تعهد براتی وعده‌دار نیز به سه صورت تعیین می‌شود ۱- به وعده از رؤیت. ۲- به وعده از تاریخ صدور سند. ۳- با تعیین تاریخ تأدیه معین (موکول به روز معین) به عبارت دیگر مطابق فراز پنجم ماده ۲۲۳ قانون تجارت تاریخ تأدیه وجه برات که اصطلاحاً سررسید نامیده می‌شود. الزاماً باید در هنگام تنظیم سند قید شود که ضمانت اجرای آن در ماده ۲۲۶ قانون تجارت بدین صورت است که برات فاقد این شرط اساسی و شامل مقررات وابسته به برات تجاری نخواهد بود اما این شرط که در بند ۴ ماده اول پیمان متحدالشکل ژنو قید گردیده مطابق بخش اول ماده دوم پیمان اجباری نبوده و «براتی که در آن تاریخ پرداخت مشخص نشده، به رؤیت محسوب است» در عوض مقررات بین‌المللی راجع به بطلان

براتی که سررسید نوع دیگری غیر از ۴ نوع مقرر در ماده ۲۴۱ قانون تجارت ایران که عیناً در ماده ۳۳ پیمان ژنو ملاحظه می‌گردد، و نیز بطلان براتی که متضمن وعده‌های متعدد است با قواعد قانون تجارت ایران منافاتی ندارد.

«برواتی که سررسید آنها به گونه دیگری تعیین شده از درجه اعتبار خارج است: تنظیم سررسید به اتکای زمان نامعلوم، مانند فوت براتکش، یا به صورت مشروط، مثل تحقق اوضاع مالی مناسب، معین نمودن چند سررسید به طور متناوب، مانند پرداخت به اقساط ماهیانه و غیره» (صقری محمد، ۱۳۸۰، ص ۹۶)

تعیین زمان ایفای تعهد در فته طلب مطابق بند ۳ م ۳۰۸ قانون تجارت جزء یکی از شرایط صوری صدور آن سند قید گردیده است ولی در مورد سفته مانند برات ضمانت اجرائی همانند ماده ۲۲۶ ق ت بیان نگردیده است ولی به نظر برخی از نویسندگان حقوق تجارت (ستوده تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵): «سفته در صورتی از مزایای مربوط به آن می‌تواند استفاده نماید. که موافق مقررات قانون تجارت تنظیم شده باشد و مزایای مزبور همان مزایایی است که برای برات در نظر گرفته شده زیرا وفق ظاهر ماده ۳۰۹ قانون تجارت: تمام مقررات راجع به بروات تجاری در مورد فته طلب نیز لازم‌الرایه است. (صقری محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۹۶) راجع به انواع سررسید در سفته به نظر می‌رسد با تصریح ماده ۳۰۷ قانون تجارت، سررسید سفته تنها به دو صورت موعده معین یا عندالمطالبه تنظیم می‌شود. بنابراین، تعیین موعد سفته به صورت «به وعده از رؤیت» قانوناً منتفی به نظر می‌رسد.

پیمان متحدالشکل ژنو در ماده ۷۵ تعیین سررسید را در سفته اجباری می‌داند ولی ماده‌ی ۷۶ پیمان تصریح نماید که سفته‌ای که سفته‌ای که سررسید پرداخت در آن قید نشده باشد به رؤیت تلقی می‌شود در مورد چک نیز مطابق ماده ۳۱۱ قانون تجارت: «پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد» در ماده ۳ قانون صدور چک نیز در تأیید این مطلب آورده شده: «صادر کننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و ...» در واقع چک وعده‌دار از شمول قانون صدور چک خارج خواهد بود. در مورد ضمانت اجرای ماده ۳۱۱ قانون تجارت نیز علی‌رغم فقدان نص صریح قانونی، به نظر می‌رسد همانند سفته برای اینکه چک بتواند از مزایای سند براتی مطابق ماده ۳۱۴ قانون تجارت برخوردار گردد باید دارای شرایط اساسی مندرج در این قانون باشد ضمن اینکه بموجب تبصره ماده ۳۱۹ قانون تجارت در فصل چهارم به این مطلب اشاره می‌نماید: «حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یافته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد» از طرفی قانون صدور چک مطابق بند هف ماده ۱۳، چک وعده‌دار را غیر قابل تعقیب کیفری می‌داند.

در تعهدات مدنی اصل بر تعیین مهلت قراردادی و پیش‌بینی موعد پرداخت به نفع مدیون است. بنابراین مدیون می‌تواند قبل از سررسید وجه برات را تأدیه نماید و متعهدله نمی‌تواند از قبول موضوع تعهد خودداری کند مگر اینکه ثابت شود مهلت به نفع بستانکار یا مشترکاً به نفع بدهکار و بستانکار تعیین شده است ماده ۲۷۳ قانون مدنی در این مورد مقرر می‌دارد: «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند متعهد به

وسیله‌ی تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری می‌شود و از تاریخ این اقدام مسؤول خسارتی که ممکن است به موضوع حق ارد آید نخواهد بود» ولی در ارتباط با تعهدات براتی با وجود قوانین اختصاصی بازرگانی موضوع تفاوت دارد که به شرح آن می‌پردازیم.

به موجب ماده ۲۴۲ قانون تجارت: «هرگاه برات بی‌وعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود»

یعنی اسناد براتی حال (به رؤیت) بی‌وعده و فوراً پرداخت می‌شوند.

ماده ۲۵۴ قانون تجارت مقرر: «برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخته شود.» ظاهر ماده ۲۵۴ قانون تجارت حاکی از آنست که متعهد برات نمی‌تواند با اسقاط وعده، موضوع تعهد را قبل از سررسید سند پرداخت کند. ضمانت اجرای این ممنوعیت در ماده ۲۵۶ قانون تجارت مورد حکم قرار گرفته است و ماده ۲۵۸ قانون تجارت نیز با ضمانت اجرای ممنوعیت مذکور در ماده ۲۵۴ این قانون ارتباط دارد.

در حقوق مدنی در مورد اینکه ایفاء تعهد نسبت به چه شخصی باید صورت پذیرد و بیان تکلیف متعهد در مقام ایفاء به صراحت ماده ۲۷۱ به این شرح است: «دین باید به شخص داین یا به کسی که از طرف او وکالت دارد تأدیه گردد یا به کسی که قانوناً حق قبض را دارد». همچنین به موجب ماده ۲۷۴ قانون تجارت می‌خوانیم: «اگر متعهد له اهلیت قبض نداشته باشد تأدیه در وجه او معتبر نخواهد بود». یعنی متعهد برای جلوگیری از وقوع ایفاء ناروا و احراز براءت ذمه باید تمامی این مقررات را مراعات نماید.

قانون تجارت ایران در این مورد بر خلاف قانون مدنی حکم صریحی ندارد و اگرچه با نام بردن از حقوق و وظایف دارنده برات مطالبی را اشاره نموده است مثلاً ماده ۲۷۹ قانون تجارت اشعار می‌دارد: «دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند» یعنی از آنجا که اغلب اوقات برات‌گیر می‌داند که برات در دست چه کسی است و طلبکار است که باید اقدام به وصول وجه برات کند لذا می‌بایست وجه برات در روز وعده از طرف دارنده برات مورد مطالبه قرار گیرد.

به موجب ماده ۳۸ قانون متحدالشکل ژنو: «دارنده براتی که در روز معین یا به وعده از تاریخ رؤیت است باید برات را برای پرداخت در روزی که قابل پرداخت است یا در روز غیر تعطیل که متعاقب آن است ارائه دهد». پس علی‌رغم عدم صراحت قانون تجارت به اقدامات احتیاطی شخص متعهد، نظر به اینکه تأخیر در پرداخت مستلزم اعتراض و هزینه‌های اضافی است برات‌گیر یا هر شخصی که تعهد به پرداخت نموده باشد اگر غفلت و خطای واضح نسبت به شخص دارنده برات ننماید می‌تواند مبلغ برات را روز آخر وعده به هر آنکس که براتی را که رسید وجه در ظهر برات از طرف دارنده قید شده است تسلیم کند. در واقع آخرین کسی که برات را در دست دارد حق دریافت مبلغ مندرج در برات را دارد (عرفانی محمود، ۱۳۹۱، ۶۶) و می‌بایست وفای به عهد به این دارنده قانونی صورت پذیرد در غیر اینصورت ایفای ناروا واقع شده که آن هم سبب براءت متعهد نمی‌شود به عبارت دیگر «ایفاء ناروا قوه ابراء ندارد» و ماده ۲۵۴ و ۲۵۶ نیز برای حمایت از دارنده قانونی است یعنی چنانچه متعهد خطای واضح و تقصیری فاحش انجام دهد و وجه برات را قبل از موعد تأدیه نماید در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسئول است ولی

چنانچه شرط احتیاط را به جا آورد و تعهد را سر موعد (روز آخر وعده) بپردازد. مطابق م ۲۵۸ قانون تجارت بری‌الذمه محسوب می‌گردد. و همچنین در بند سوم ماده ۴۰ قانون متحدالشکل ژنو پیش‌بینی شده است مطابق این بند: «شخصی که در سر رسید، وجه برات را بپردازد بری‌الذمه محسوب می‌گردد. مگر اینکه مرتکب تقلب یا تقصیر سنگین شده باشد. محال علیه ملزم است هنگام پرداخت، صحت تسلسل ظهر نویسی، و نه امضای ظهر نویسان را مورد بررسی قرار دهد» بند ۳ ماده ۲۸-511 L قانون تجارت فرانسه نیز همین راه حل را پیش‌بینی کرده است. این تکلیف برات‌گیر (یا هرکس که مسئول پرداخت وجه برات است) فقط جنبه شکلی دارد. به عبارت دیگر، برات‌گیر مکلف نیست که برای مثال، بررسی نماید امضات موجود در برات واقعاً متعلق به اشخاص نامبرده در آن هست یا خیر. برای مثال، در براتی که توسط الف ظهرنویسی شده و ب انتقال یافته و سپس از ب به ج منتقل شده است، برات‌گیر باید ببیند آیا ج که دارنده فعلی برات است، از نظر شکلی، برات را از ب دریافت کرده است و یا از شخص دیگری، چون در مثال بالا، ج در صورتی مالک قانونی برات تلقی می‌شود که آن را به وی منتقل کرده باشد. برعکس، برات‌گیر تکلیفی ندارد بررسی کند که آیا امضایی که به نام ب شده است، امضا واقعی خود اوست یا خیر. چه او برای تشخیص این امر اطلاعات و وسایل لازم را در اختیار ندارد و نسبت به این موارد مکلف محسوب نمی‌شود. (اسکینی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷) و نیز مطابق ماده ۲۶۰ قانون تجارت به این نکته اشاره نموده است که چنانچه برات‌گیر بدون اینکه اصل برات را دریافت دارد وجه برات را پرداخت نماید متعاقباً در مقابل کسی که اصل برات را به او ارائه دهد مسوؤل است که این مسأله در مورد سفته و چک به جهت تک نسخه‌ای بودن سند آنها موضوعاً منتفی است.

این‌گونه می‌توان نتیجه‌گیری نمود که متعهد سند براتی برای بری‌الذمه شدن دو شرط اساسی را می‌بایست رعایت نماید اول آنکه تمامی شرایط اساسی سند تجاری را ملاحظه نموده، مرتکب تقلب، خطا و تقصیر عمده نگردد و دوم اینکه وجه برات را روز آخر وعده پرداخت نماید.

۲- مکان ایفاء تعهد

مطابق اصول و قواعد حقوق تجارت مکان ایفاء تعهد در اسناد برواتی محل اقامتگاه متعهد اصلی می‌باشد مگر آنکه بر خلاف این امر توافقی در متن اسناد تجاری قید شده باشد در تعهدات مدنی غیر براتی تعیین مکان ایفاء تعهد شرط اعتبار قرارداد (عمل حقوقی) منشاء تعهد نیست.

در مورد محل ایفاء تعهد چند فرض طبق مواد مختلف قانون مدنی قابل تصور است.

۱-۲- چنانچه هنگام تشکیل قرارداد، مکان ایفاء تعهد با توافق بین طرفین تعیین گردد مطابق مواد ۲۲۰ و ۲۸۰ قانون مدنی طرفین به قرار منعقد ملزم بوده و تغییر آن جزء با رضایت متعهدله طرفین امکان ندارد چرا که تعیین محل ایفاء تعهد دارای آثاری همچون منظور اصلی طلب کار وجه اسناد از پذیرش اسناد تجاری می‌باشد.

۲-۲- چنانچه توافقی در تعیین مکان ایفاء تعهد نباشد، تعیین آن تابع عرف و عادت خواهد بود. (۲۲۰ و ۲۲۵ و ۲۸۰ قانون مدنی) در واقع عرف در موارد ابهام مرجع کمک کننده به کشف اراده مشترک طرفین قرارداد می‌باشد.

۲-۳- در صورتی که مکان ایفای تعهد نه با توافق طرفین و نه به کمک عرف و عادت مشخص نگردد به موجب م ۲۸۰ قانون تجارت متعهد باید تعهد خود را در محل وقوع عقد اجرا نماید.

۲-۴- اگر با توجه به قراین و شواهد موجود توافق طرفین بر ایفاء در محل وقوع عقد منتفی باشد باید به استناد اصل برائت ذمه متعهد را نسبت به زاید به تسلیم مال در محل وقوع آن یا انجام عمل در اقامتگاه متعهد آزاد فرض کرد و نمی‌توان متعهد را ملزم به ایفای تعهد در مکان خاصی دانست.

مکان تادیه برات از قدیم همواره غیر از مکان صدور برات بوده است، ولی امروزه مکان تادیه برات ممکن است در همان محل برات کش باشد. مکان تادیه وجه برات باید به‌طور واضح نوشته شده و تصویری نباشد، زیرا اگر مکانی که برای پرداخت وجه برات در روی برات قید شده است وجود خارجی نداشته باشد، در حکم این است که مکان مزبور نوشته نشده باشد. قانون تجارت ایران ذکر مکان تادیه وجه برات را یکی از شرایط اساسی برات می‌داند در صورتی که به موجب قانون متحدالشکل ژنو اگر مکان تادیه وجه برات ذکر نشده باشد، مکانی که در کنار نام برات‌گیر نوشته شده باشد مکان تادیه برات تلقی می‌شود. قانون تجارت ایران تصریحی ندارد که آیا می‌توان چند مکان برای تادیه برات ذکر نمود. اغلب این قوانین این موضوع را جایز نمی‌دانند و قانون متحدالشکل ژنو نیز این موضوع را پیش‌بینی ننموده است. قانون تجارت ایران در مورد مکان تادیه وجه برات با ذکر (اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر) تایید می‌کند که مکان تادیه وجه برات ممکن است مکانی غیر از محل اقامت محال علیه باشد و قانون متحدالشکل ژنو نیز این موضوع را تایید می‌کند.

همچنین باید یاد آور شد که مطابق بند ۶ ماده ۲۲۳ قانون تجارت در برات تعیین مکان ایفاء تعهد شرط اعتبار عمل حقوقی منشاء تعهد می‌باشد در صورتی که ماده ۳۰۸ قانون تجارت در بیان شرایط صوری سفته و ماده ۳۱۱ همان قانون در مورد چک اشاره به الزامی بودن شرط درج مکان تادیه ننموده‌اند. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۳۲) مطابق بند ۵ ماده ۱ و بند ۴ ماده ۷۵ پیمان متحدالشکل ژنو به ترتیب در خصوص برات و سفته درج مکان تادیه از شرایط الزامی ذکر شده است و بند ۴ ماده ۱ پیمان ژنو ۱۹۳۱ در مورد چک نیز ناظر به این معناست با توجه به مزایای درج مکان تادیه در متن سند و مشخص بودن آن که جهت تقویت وضعیت دارنده سند می‌باشد دارنده برای مراجعه به سایر مسؤولین سند و مطالبه‌ی وجه آن و خسارات وارده ناچاراً باید اثبات کند که به متعهد اصلی مراجعه نموده است که این امر نیز مستلزم به حضور در مکان تادیه مقید در متن سند است زیرا در غیر این صورت ممکن است مکان‌های زیادی وجود داشته باشد و متعهد اصلی مدعی گردد که در مکان دیگری آماده پرداخت بوده است. (کاویانی، ۱۳۸۷، صص ۶۴ و ۶۵)

در خصوص مقایسه بند ۶ ماده ۲۲۳ و ماده ۲۳۴ قانون تجارت ضروری به نظر می‌رسد گرچه بین دو ماده یاد شده تعارض ظاهری وجود دارد و هیچ یک از نویسندگان حقوقی نیز به این مسأله نپرداخته‌اند. ذیلاً به بررسی و تحلیل این دو ماده و جمع بین آنها می‌پردازیم.

مطابق فراز ششم ماده ۲۲۳ قانون تجارت، مکان تأدیه وجه برات ممکن است محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگری غیر از آن و ذکر آن نیز برابر ماده‌ی ۲۲۶ همان قانون الزامی است و عدم ذکر آن سند را از شمول مقررات راجع به بروات تجاری خارج می‌سازد. از طرفی ماده ۲۳۴ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تأدیه شود تصریح به مکان تأدیه ضروری است.» ظاهر ماده حاکی از آنست که مکان تأدیه برات در هنگام قبولی، می‌بایست تصریح شود، حال این سؤال مطرح است که اگر در زمان صدور محل تأدیه تعیین شده باشد که دیگر تصریح به آن در زمان قبولی معنای منطقی ندارد و اگر هم محل تأدیه در زمان صدور تعیین نشده باشد که دیگر طبیعتاً سند برات نیست و هنگامی که سند برات نباشد بحث قبولی و تصریح به مکان تأدیه هم سالبه‌ی به انتفاء موضوع است حال باید دید که این موضوع چگونه قابل حل است و مقصود اصلی ماده ۲۳۴ قانون تجارت چیست؟ با دقت در آن متوجه می‌شویم که در واقع ماده ۲۳۴ همین قانون دلالت بر تغییر پذیری یکی از مندرجات شکلی سند در زمان قبولی دارد یعنی این گونه تفسیر می‌شود: برات‌گیر تحت شرایط مندرج در این ماده می‌تواند مکان تأدیه را تغییر بدهد.

طبق قاعده‌ی اصلی، مندرجات سند تجاری بعد از صدور قابل تغییر نیست زیرا قراردادی مابین برات دهنده و دارنده‌ی برات منعقد شده است که مفاد آن باید ثابت بماند و این موافق با اصل لزوم قراردادها است مگر در صورت تراضی طرفین آن که تعدیل ارادی قرارداد نامیده می‌شود ولی در اینجا به برات‌گیر اجازه داده شده است که به صورت یک‌طرفه، بدون نیاز به رضایت دارنده برات مندرجات قرارداد را تغییر دهد، این یک استثناء به قاعده‌ی تغییر ناپذیری مندرجات قرارداد به اراده‌ی شخص ثالث است.

حال اولین شرط امکان این تغییر این است که مکان تأدیه مشخص شده در برات غیر از اقامتگاه محال علیه باشد و اگر محل تأدیه اقامتگاه برات‌گیر باشد دیگر این تغییر معنی پیدا نمی‌کند. در واقع این اجازه را قانون جهت تسهیل در امر تأدیه برات توسط برات‌گیر و جلوگیری از افزایش موارد نکول سند تجاری پیش‌بینی نموده است لیکن از اشکالات این شرط مشخص نبودن حدود و ثغور تغییر است آیا وسعت تغییر محل تأدیه صرفاً به اقامتگاه خود برات‌گیر میسر است یا ایشان مجاز به انتخاب هر شهر دیگر و یا کشوری غیر از اقامتگاه خود نیز می‌باشد.

۳- ایفای تعهد برواتی بوسیله متعهد و شخص ثالث

۳-۱- ایفای تعهد به وسیله متعهد و اصول حاکم بر آن

وجه برات باید از کسی مطالبه شود که برات را قبول کرده یا کسی که تعهد پرداخت آن را نموده است.

در صورتی که چند نفر تعهد پرداخت وجه برات را کرده باشند، باید از تمام آن‌ها پرداخت وجه برات مطالبه شود و در صورت عدم پرداخت اعتراض عدم تادیه بر علیه تمام آنان به عمل آید. (ستوده تهرانی ۱۳۸۹، ص ۷۹) مطالبه وجه برات مستلزم ارائه خود برات است و دارنده برات ملزم است در مقابل دریافت وجه، اصل برات را به پرداخت کننده وجه تسلیم نماید. ماده ۲۵۹ قانون تجارت مقرر می‌دارد «پرداخت وجه برات ممکن است به موجب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع‌الخ به عمل آید، در صورتی که در روی آن نسخه قید شده باشد که پس از پرداخت وجه به موجب این نسخه نسخ دیگر از اعتبار ساقط است» ماده ۳۹ قانون متحدالشکل ژنو این موضوع را به‌طور واضح‌تری بیان می‌نماید: «برات‌گیر می‌تواند با پرداخت برات در خواست کند که برات از طرف دارنده آن با اعلام رسید به او تسلیم شود» با وجود آنکه در قانون تجارت تودیع وجه برات پیش‌بینی نشده کسی که مسئول پرداخت وجه برات است می‌تواند مبلغ برات را در صندوق دادگستری ودیعه‌گذار زیر ماده ۲۷۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند متعهد به وسیله‌ی تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری می‌شود و از تاریخ این اقدام مسئول خسارتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید نخواهد بود»

۳-۲- ایفای تعهد به وسیله برات‌گیر

برات‌گیر کسی است که باید وجه برات را در سر رسید پرداخت نماید. در موقع صدور برات امضا برات‌گیر در برات وجود ندارد و تا زمانی که امضا برات‌گیر در روی برات گذاشته نشده از لحاظ برات مسئولیتی متوجه او نیست و فقط بعد از قبولی است که برات‌گیر مسئول پرداخت می‌شود. ماده ۲۳۰ قانون تجارت تصریح می‌کند: «قبول‌کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تادیه نماید» و ماده ۲۸ قانون متحدالشکل ژنو تصریح می‌کند «با قبولی، برات‌گیر متعهد می‌شود برات را در سر رسید پرداخت کند، در صورت عدم پرداخت دارنده حتی اگر برات‌کش بر علیه قبول کننده دارای یک حق مستقیمی است برای کلیه اموری که ممکن است به مناسبت مواد ۴۸ و ۴۹ تعلق گیرد و از برات ناشی می‌شود» و چنانچه برات‌گیر صراحتاً در برات عدم قبولی خود را بنویسد یا آنکه برات را به‌طور مشروط قبول نماید برات نکول شده محسوب می‌گردد و در این صورت اعتبار آن متزلزل خواهد بود و به محض نکول به موجب ماده ۲۳۷ قانون تجارت دارنده آن حق دارد به مسئولان برات: برات‌کش و ظهر نویسان و ضامنان برای دریافت وجه آن مراجعه کند. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۶۷)

۳-۳- ایفاء تعهد به وسیله ظهر نویس

ظهر نویس دارنده براتی است که برات خود را به وسیله ظهر نویسی به دیگری انتقال می‌دهد. ظهر نویسی فقط یک انتقال ساده نیست بلکه ظهر نویس پرداخت وجه برات را تضمین می‌کند. قانون تجارت ایران هیچ‌گونه محدودیتی برای ضمانت ظهر نویس قائل نمی‌شود و حتی پیش‌بینی نشده است

که ظهر نویس می‌تواند خود را از این تضمین معاف دارد در صورتی که ماده ۱۵ قانون متحدالشکل ژنو تصریح می‌کند: «ظهر نویس جز در صورت شرط مخالف ضامن قبولی و پرداخت برات است» بنابراین ظهر نویس می‌تواند در ظهر نویسی قید کند که ضامن قبولی یا پرداخت نیست. ماده ۲۴۹ قانون تجارت تصریح می‌کند که دارنده برات در صورت عدم تادیه و اعتراض می‌تواند به مسئولین برات مراجعه کند. بنابراین برای آنکه مسئولیت ظهر نویسان مسجل گردد دارنده برات باید وظایفی را که قانون به عهده او گذاشته است انجام دهد. یعنی به موقع برات را برای قبولی ارائه دهد و در سر رسید مطالبه وجه آن را بنماید. و در صورت عدم تادیه مبادرت به اعتراض نماید و چنانچه بعد از اعتراض نتواند وجه برات را وصول کند باید طبق ماده ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت در ظرف ۳ ما یا ۶ ماه اقامه دعوا نماید. عدم رعایت تشریفات بالا مسئولیت ظهر نویسان را از بین خواهد برد. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۶۸)

۳-۴- ایفاء تعهد بوسیله ضامن

بهموجب بند آخر ماده ۲۴۹ قانون تجارت «ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهر نویس را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است» بر همین اساس مسئولیت ضامن برات بسته به اینکه با چه کسی ضمانت نموده است مانند مسئولیت برات کش برات گیر یا ظهر نویس می‌باشد. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۶۹)

۳-۵- ایفا تعهد به وسیله برات کش

برات کش برات را ایجاد نموده و آن را به گیرنده برات تسلیم می‌دارد صدور برات باعث ایجاد مسئولیت او برای انجام دستور پرداخت او می‌شود و چنانچه دستور او در سر رسید انجام نگردد مسئول خسارت وارده به دارنده برات می‌باشد زیرا نمی‌توان سندی را به جریان گذاشت بدون آنکه مسئولیت اجرای آن را به عهده گرفت قانون تجارت ایران راجع به مسئولیت برات کش جز آنچه در ماده ۲۴۹ پیش‌بینی شده صراحتی ندارد. در صورتی که ماده ۹ قانون متحدالشکل ژنو مسئولیت برات کش را به شرح زیر تصریح می‌نماید: «برات کش ضامن قبولی پرداخت است برات کش ممکن است خود را از ضمانت قبولی معاف دارد اما هرگونه قیدی که به وسیله‌ی آن خود را از ضمانت پرداخت معاف نماید مانند این است که نوشته نشده باشد.»

به موجب ماده ۲۴۹ قانون تجارت برات کش در صورتی ضامن پرداخت برات است که دارنده برات وجه برات را در سر رسید مطالبه نماید و در صورت عدم تادیه به موقع اعتراض نماید مگر آنکه نتواند ثابت کند که در سر وعده وجه برات را به محال علیه رسانیده است که در این صورت طبق ماه ۲۹۰ قانون تجارت با وجود آنکه برات گیر در انجام وظایف خود غفلت نموده باشد باز برات کش مسئول پرداخت مبلغ

برات است. قانون تجارت ایران هیچ‌گونه تصریحی ندارد که آیا برات‌کش می‌تواند دارنده برات را از اخذ قبولی معاف دارد یا آنکه او را از اعتراض معاف دارد و با سکوت قانون این موضوع ممکن است درباره‌ی تعیین مسئولیت برات‌کش باعث اشکال گردد. ولی به‌نظر می‌رسد برات‌کش در خود برات دارنده برات را از اخذ قبولی یا اعتراض معاف دارد چون موافقت خود را با عدم انجام تشریفات مزبور قبلاً اعلام داشته است، عدم رعایت تشریفات مزبور از طرف برات رافع مسئولیت و ضمانت او برای پرداخت وجه برات نخواهد گردید. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۹، صص ۶۶ - ۶۷)

۳-۶- تاثیر حسن نیت متعهد و دارنده سند برواتی

در حقوق مدنی ایران حسن نیت اثر اندکی دارد. دارنده زمانی با حسن نیت تلقی می‌شود که ناآگاه بر فضولی بودن انتقال برات باشد. به موجب ماده ۲۶۳ قانون مدنی «هرگاه مالک معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند...» ولی اگر نامبرده بر فضولی بودن معامله سند آگاهی یابد، دیگر حقی به مطالبه غرامات ندارد. برابر حکم ذیل همین ماده «... و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت.» (صقری محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴) در حقوق کشورهای عضو پیمان ژنو، دارنده با حسن نیت، حقوقی بیش از صاحب ورقه به دست می‌آورد، بند دوم ماده ۱۶ آن پیمان مقرر می‌کند: «در صورتی که به هر علت تصرف شخص نسبت به برات سلب گردد، دارنده‌ای که حقوق خود را برسد به طریق مذکور در فوق ثابت نماید، ملزم به بازگرداندن آن نیست، مگر اینکه برات را با سوء نیت تحصیل کرده و یا اینکه در بدست آوردن آن مرتکب تقصیر عمده‌ای شده باشد. (صقری محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴)

این قاعده براتی که ریشه در حقوق ژرمنی دارد مخصص قواعد مالکیت به شمار می‌رود. در توجیه آن چنین استدلال شده است که هم از حیث ملاحظات عملی و هم از جهت قاعده عدم تأثیر ایرادات، حق دارنده با حسن نیت بر صاحب برات تفوق نشان می‌دهد. اگر شخص متضرر از ربایش یا گم شدن سند تجاری بتواند ورقه را از دارنده با حسن نیت مسترد دارد، دیگر داد و ستد این اوراق در معاملات بازرگانی هیچ‌گونه تضمین جدی به انتقال گیرنده نخواهد داد. و ملاً گردش این اسناد با عدم اعتماد و اطمینان عامه و خصوصاً بازرگانان روبه‌رو گشته و نقش پول تجاری از آن عمدتاً سلب می‌گردد. (صقری محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴) مع‌ذالک، تهیه کنندگان مقررات ژنو، حمایت از دارنده سند را بدون قید و شرط جایز ندیده‌اند و این امر در حقوق ایران هم پذیرفتنی است. لذا در دو حالت زیر، حسن نیت جای خود را به سوء نیت می‌سپارد و به عوض قاعده براتی موصوف، حقوق مالکیت قابلیت اجرائی مجدد می‌یابد.

۱- بخش دوم ماده ۱۶ پیمان، از دارنده قانونی پشتیبانی نموده است: یعنی کسی که برگه را به دنبال امضاءهای مسلسل و بدون خدشه ظاهری بدست می‌آورد، پس در صورتی که دارنده‌ای، بر اثر وراثت یا

انتقال ساده غیرتجاری، برگه‌ای در اختیار دارد، همواره در معرض خطر تقاضای استرداد از جانب مالک سند خواهد بود.

۲- اگر دارنده برات را با سوء نیت تحصیل کند، یا در بدست آوردن آن مرتکب تقصیر عمده‌ای بشود، مورد حمایت قرار ندارد. عقیده عمومی در کشورهای عضو پیمان بر آنست که اگر دارنده، آگاه به تصرف غیرقانونی ناقل برگه به هنگام انتقال باشد، با «سوء نیت» تلقی می‌گردد و «تقصیر عمده» نیز ملازمه با وجود اوضاع و احوال حاکی از تصرف غیرقانونی دست‌پیشین دارد. (صقری محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵)

قانون تجارت ایران در باره مواردی که برات به برات‌گیر برای قبولی ارائه می‌شود و او آن را با سو نیت نگهداری می‌کند و یا از بین می‌برد، قاعده‌ای وضع نکرده است. بنابراین در این مورد، مقررات عام مسئولیت مدنی لازم‌الاجرا خواهد بود. برات‌گیر نمی‌تواند اختلاف احتمالی میان خود و برات‌کش را بهانه قرار دهد و برات را نزد خود نگه دارد و یا آن را از بین ببرد، زیرا آنچه میان او و برات‌کش وجود دارد، ارتباطی به دارنده برات ندارد. بنابراین، در صورت اخیر نیز دارنده برات می‌تواند پس از ثبوت خطای برات‌گیر، طبق قواعد عام از وی مطالبه‌ی ضرر و زیان نماید. میزان ضرر و زیان را دادگاه معین خواهد کرد. (اسکینی ربیعا، ۱۳۸۶، ص ۸۳)

۴- ایفاء تعهد براتی توسط ثالث

۴-۱- شرایط و آثار تأدیه تعهد براتی توسط ثالث

گاهی ممکن است که محال علیه برات را در سررسید آن نپردازد، در این صورت اعتراض عدم تأدیه به عمل آمده و این دغدغه در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد که دارنده برات هر چه سریع‌تر درصدد دریافت طلب برآید. در این حال ممکن است شخص ثالثی پیش از اقدام قانونی به طرفیت مسوولان سند با مداخله برای یکی از ظهرنویسان یا برات دهنده به تأدیه مبلغ بپردازد. (صقری محمد، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲)

قانون تجارت ایران تاکید می‌کند که شخص ثالث فقط می‌تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهر نویس‌ها وجه برات را پرداخت کند. قانون متحدالشکل ژنو پرداخت توسط شخص ثالث به حساب ضامن را نیز پیش‌بینی کرده است. (بند یک ماده ۵۵) پرداخت به عنوان شخص ثالث باید در اعتراض نامه قید شود این نکته به این دلیل است که پرداخت شخص ثالث در صورتی مجاز است که برات‌گیر برات را نپردازد. هرگاه برات‌گیر حاضر به پرداخت برات باشد پرداخت توسط شخص ثالث امکان‌پذیر نیست و تا اعتراض نامه تنظیم نشده باشد و به برات‌گیر ابلاغ نشود نمی‌توان به این که برات‌گیر برات را نپرداخته است یقین کرد از طرفی برای آنکه شخص ثالث بتواند برای دریافت وجهی که پرداخته است متعهدی که برای او پرداخت را انجام داده مراجعه کند قانون‌گذار قید کردن پرداخت وجه در برات را ضروری تلقی کرده است. (قسمت اخیر ماده‌ی ۲۷۰ قانون تجارت) (اسکینی ربیعا، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴)

شخص ثالثی که وجه برات را پرداخت می‌کند، ممکن است قبلاً در برات تعیین شده باشد. یا آنکه بدون آنکه نام او در برات قید شده باشد، برای پرداخت حاضر گردد، حتی خود برات‌گیر، در صورتی که برات را قبولی ننوشته باشد، ممکن است وجه برات را به عنوان شخص ثالث پرداخت کند تا بتواند حق خود را بر علیه ظهر نویسان و برات‌کش محفوظ دارد. (ستوده تهرانی حسن، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲)

بنابراین چون دخالت شخص ثالث برای جلوگیری از اقدام قانونی برای وصول وجه برات است. پرداخت شخص ثالث از طرف کسی که می‌توان بر علیه او اقامه دعوی نمود انجام می‌گیرد. اگر ظهر نویس صراحتاً ضمانت خود را رد کرده باشد، بر علیه او اقامه دعوی نمی‌توان نمود تا پرداختی از طرف او لازم باشد. پس کسی که از طرف برات‌گیری که قبولی نوشته است وجه برات را پرداخت می‌کند به جریان برات خاتمه می‌دهد و دیگر حقی از جهت مزایای برات به او تعلق نمی‌گیرد. (ستوده تهرانی حسن، ۱۳۸۳، ص ۸۷) ماده (۲۷۰ قانون تجارت) «هر شخص ثالثی می‌تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهر نویس‌ها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید. دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراض‌نامه یا در ذیل آن قید شود.» (عرفانی محمود، ۱۳۹۱، ص ۶۶) و اگر دو نفر متفقاً حاضر به پرداخت مبلغ برات شوند، پیشنهاد کسی تادیه وجه از طرف او تعداد زیادتری از مسئولین پرداخت مبلغ برات را بری‌الذمه می‌کند پذیرفته می‌شود. (عرفانی، محمود، ۱۳۹۱، ص ۶۷)

بنابراین شخص ثالث فقط می‌تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهر نویس‌ها عمل کند و آن هم پس از آنکه اعتراض شده باشد. زیرا قبل از اعتراض هنوز معلوم نیست که وجه برات پرداخت نشده تا دخالت شخص ثالث لازم باشد. پیمان ژنو در ماده (۵۹) مقررات کاملی در این باره عرضه می‌دارد. الف) پرداخت از طریق مداخله در تمام مواردی که در سر وعده یا قبل از سررسید دارنده حق رجوع دارد، می‌تواند انجام پذیرد.

ب) پرداخت باید شامل تمام مبلغ قابل تادیه توسط شخصی که به نفع او انجام می‌شود، باشد. ج) پرداخت باید حداکثر تا فردای آخرین روز مهلت مقرر جهت انجام اعتراض عدم تادیه بعمل آید. ماده (۲۷۱) قانون تجارت) شخص ثالث با پرداخت مبلغ سند دارای تمام حقوق دارنده برات می‌گردد. قانون‌گذار آنها را در حکم دارنده برات دانسته است.

به این معنی که شخص ثالث جانشین دارنده برات می‌شود و این در صورتی است که شخص ثالث تصریح نکند از طرف چه شخصی وجه برات را پرداخته است. زیرا در صورتی که پرداخت شخص ثالث از طرف یکی از ظهر نویس‌ها باشد مسئولیت ظهر نویسان بعدی از بین می‌رود و اگر از طرف برات‌کش باشد کلیه ظهرنویسان بری می‌گردند.

آثار تادیه ثالث نسبت به مسؤلین سند و شخص ثالث پرداخت کننده

(ماده ۲۷۲ قانون تجارت) مقرر می‌دارد: «اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت،

تمام ظهرنویس‌ها برای‌الذمه می‌شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهر نویس‌ها به عمل آید. ظهرنویس‌ها بعد از او بری‌الذمه‌اند.» ماده «۲۷۳ قانون تجارت» اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند، پیشنهاد آن کسی پذیرفته است که تأدیه وجه از طرف دو عدهٔ زیادتری از مسئولین را برای‌الذمه می‌کند. اگر خود محال علیه پس از اعتراض برای تأدیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالث ترجیح دارد. در صورت چند پیشنهاد پرداخت توسط اشخاص ثالث، پیشنهاد پرداختی مرجح است که به موجب آن عدهٔ زیادتری از مسئولان برات بری‌الذمه می‌شوند و هر شخصی که عالماً و عامداً برخلاف این قاعده عمل نماید حق رجوع خود را نسبت به آنهایی که می‌بایست سلب مسئولیت حاصل می‌کردند، از دست می‌دهد. (ماده ۶۳ پیمان ژنو)

به موجب ذیل (ماده ۲۷۳ قانون تجارت) محال علیه که پس از اعتراض عدم تأدیه حاضر به پرداخت وجه برات می‌گردد بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.» زیرا با پرداخت محال علیه، سند از درجه اعتبار خارج و تعقیبات ناشی از آن منتفی می‌گردد.

قانون متحدالشکل ژنو دخالت شخص ثالث را برای قبولی پرداخت در مواد ۵۵ تا ۶۳ پیش‌بینی کرده و تصریح می‌کند که پرداخت بوسیله شخص ثالث باید بعد از اعتراض به عمل آید و شخص ثالث دارای حقوق دارندهٔ برات بر علیهٔ شخص می‌شود که از طرف او پرداخت انجام شده است. چنانچه دارندهٔ برات پرداخت شخص ثالث را رد کند، دیگر نمی‌تواند به کسانی که این پرداخت آنها را از مسئولیت بری می‌کرده مراجعه نماید، و در صورتیکه در موقع پرداخت تصریح نشود پرداخت از طرف چه شخصی به عمل آمده است، فرض بر این است که پرداخت از طرف برات‌کش به عمل آمده است.

قانون متحدالشکل ژنو تصریح می‌کند که براساس اعتراض‌نامه باید به شخص ثالثی که وجه برات را پرداخت می‌کند تسلیم شود. (ستوده تهرانی حسن، ۱۳۸۳، ص ۸۸) پرداخت‌کننده نمی‌تواند برات را مجدداً ظهرنویسی کند.

قانون تجارت ایران تأکید می‌کند که شخص ثالث فقط می‌تواند از طرف برات‌دهنده یا یکی از ظهر نویس‌ها وجه برات را پرداخت کند. قانون متحدالشکل ژنو پرداخت توسط شخص ثالث به حساب ضامن را نیز پیش‌بینی کرده است. (بند یک ماده ۵۵) پرداخت به عنوان شخص ثالث باید در اعتراض‌نامه قید شود این نکته به این دلیل است که پرداخت شخص ثالث در صورتی مجاز است که برات‌گیر برات را نپردازد. هرگاه برات‌گیر حاضر به پرداخت برات باشد پرداخت توسط شخص ثالث امکان‌پذیر نیست و تا اعتراض‌نامه تنظیم نشده باشد و به برات‌گیر ابلاغ نشود نمی‌توان به این که برات‌گیر برات را نپرداخته است یقین کرد از طرفی برای آنکه شخص ثالث بتواند برای دریافت وجهی که پرداخته است متعهدی که برای او پرداخت را انجام داده مراجعه کند قانون‌گذار قید کردن پرداخت وجه در برات را ضروری تلقی کرده است. (قسمت اخیر ماده‌ی ۲۷۰ قانون تجارت) (اسکینی ربیعا، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴)

۵- خسارت تأخیر تأدیه

۵-۱- مفهوم خسارت و شرایط جبران آن

واژه‌ی خسارت در عالم حقوق، گاه به معنای ضرر و مواقعی به معنی هرآنچه برای جبران ضرر پرداخت می‌شود به کار می‌رود و قانون‌گذار هنگامی که از خسارت حاصل از عدم اجرا یا تأخیر در انجام تعهد سخن می‌گوید کلمه را به معنی اول و زمانی که از «تأدیه خسارت» بحث می‌کند. (مواد ۲۲۷، ۲۲۹ قانون مدنی) معنی دوم را اراده کرده است.

مسئولیت قراردادی که هدف آن جبران ضرر متعهدله است (لا ضرر) و به وی امکان مراجعه به دادگاه و مطالبه‌ی جبران خسارت را می‌دهد نیاز به تحقق شرایطی دارد و در واقع هر عهد شکنی، التزام به دادن خسارت را به دنبال ندارد مگر با وجود شرایطی که عبارت است از: الف- انقضاء موعده. ب- ورود ضرر و اثبات آن. ج- عدم اجرای تعهد ناشی از علت خارجی نباشد. د- جبران خسارت طبق قرارداد یا عرف یا قانون لازم باشد. (صفایی سید حسین، ۱۳۸۶، ص ۲۰۶)

در اینجا به توضیح مختصر شرایط فوق می‌پردازیم.

الف- راجع به موعده اجرای تعهد دو فرض قابل تصور است

۱- موعده اجرای تعهد در عقد معین شده است: مطابق ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران، برخلاف حقوق فرانسه، در این صورت پس از انقضاء موعده مقرر متعهدله می‌تواند ادعای خسارت نماید و مطالبه‌ی اجرای تعهد شرط ادعای خسارت نمی‌باشد

۲- موعده اجرای تعهد در عقد معین نشده است: در این صورت اقتضای عرف بر اجرای فوری تعهد می‌باشد مگر اینکه اقتضای عرف بر اعطای مهلت به متعهد باشد و مؤید این مطلب بند ۳ ماده‌ی ۴۹۰ قانون مدنی می‌باشد و چنانچه تعیین موعده انجام تعهد طبق قرارداد با متعهدله باشد زمانی می‌تواند ادعای خسارت نماید که ثابت کند انجام تعهد را مطالبه نموده است. (ماده ۲۲۶ قانون مدنی)

سؤال قابل طرح در اینجاست که آیا حق الزام متعهد به اجرا تعهد همراه با مطالبه‌ی خسارت تأخیر انجام تعهد برای متعهدله باقی می‌ماند یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال دو حالت متصور است: همان‌طور که بیان شد در موردی که اجرای تعهد فقط در موعده مقرر (خاص) مدنظر باشد (وحدت مطلوب) بدیهی است با انقضاء موعده تعهد ساقط و متعهد صرفاً مکلف به جبران خسارت است ولی در صورتی که موعده برای اجرای تعهد دارای جنبه فرعی می‌باشد و به عبارتی دیگر انجام تعهد پس از انقضاء موعده معین نیز منظور باشد (تعدد مطلوب) متعهد علاوه بر انجام تعهد در صورت تقاضای متعهدله مکلف به جبران خسارت ناشی از تأخیر خواهد بود. (صفایی سید حسین، ۱۳۸۶، ص ۲۸)

ب- ورود ضرر و اثبات آن

طبق این شرط متعهدله هنگامی می‌تواند مطالبه‌ی خسارت نماید که اثبات کند در نتیجه‌ی عدم اجرای تعهد یا تأخیر در آن ضرری به وی رسیده است حال این ضرر ممکن است تلف مال یا فوت منفعت باشد

در مورد فوت منفعت یا جبران خسارت عدم‌النفع بین فقهای اسلامی اختلاف نظر وجود دارد عده‌ای قائل برآیند: که اگر کسی کارگر تولید کننده‌ای را حبس کند ضامن منفعت اوست لیکن اگر شخص تنبیل بیکاره‌ای را که مصرف کننده است و نه تولید کننده، زندانی کند ضامن نیست و فقط مرتکب گناه شده است. بعضی نیز کاملاً جبران خسارت عدم‌النفع را بدون اشکال دانسته‌اند و متقابلاً گروهی جبران خسارت عدم‌النفع را نپذیرفته‌اند البته ظاهر تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی جدید با عبارت: «خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد» حاکی از آن است که قانون‌گذار عدم‌النفع را ضرر و قابل جبران ندانسته ولی همان‌طور که می‌دانیم ضرر دارای معنی عرفی است و تفاوتی بین تلف مال و فوت منفعت مسلم در عرف وجود ندارد پس می‌بایست تفسیر معقول از تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل آید و آن تفسیر به نظر بعضی حقوقدانان اینست که عدم‌النفع احتمالی قابل مطالبه نیست ولی منفعت مسلم و ممکن الحصول، ضرر قابل جبران به شمار می‌آید (صفایی سید حسین، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰ ف ۲۱۱) و مؤید این نظر ماده‌ی ۹ قانون آ. د کیفری مصوب ۱۳۷۸ است.

در کتاب‌های اکثر حقوقدانان بیان شده که ضرر ممکن است مربوط به مال و مادی باشد یا عبارت از صدمات روحی و ضرر معنوی باشد و راجع به جبران ضرر مادی از ملاک ماده‌ی ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ استفاده می‌شود زیرا اگر چه قانون مزبور مستقیماً مربوط به مسئولیت مدنی خارج از قرارداد است لیکن بیانگر لزوم جبران ضرر معنوی ناشی از عدم اجرای قرارداد نیز می‌باشد به جهت اینکه وقتی قانون‌گذار ضرر معنوی را قابل جبران بداند چه تفاوتی دارد که ضرر ناشی از عدم اجرای قرارداد یا الزام خارج از قرارداد باشد. بطور خلاصه می‌توان گفت که ضرری قابل جبران می‌باشد که حتمی و مستقیم و قابل پیش‌بینی باشد. (صفایی سید حسین، ۱۳۸۶، ص ۲۱۲) بر شرط ورود ضرر و اثبات آن، استثنائاتی وارد است که یکی از آن موارد وجه التزام می‌باشد زیرا چنانچه طرفین توافق نموده باشند که در صورت عدم اجرای تعهد یا تأخیر در آن مبلغ معینی توسط متعهد پرداخت شود دیگر اثبات ضرر لزومی ندارد و صرف تخلف متعهد کفایت و متعده‌له می‌تواند تأدیه‌ی مبلغ مزبور (وجه التزام) را مطالبه نماید ماده‌ی ۲۳۰ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به‌عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آن چه که ملزم شده است محکوم کند» ماده‌ی ۵۱۵ قانون آدم جدید نیز در تأیید این قاعده می‌گوید: «... در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد، برابر قرارداد رفتار خواهد شد»

ج- عدم اجرای تعهد ناشی از علت خارجی نباشد

مطابق ماده‌ی ۲۲۷ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: همین که متعهد له ثابت کند که تعهد انجام نشد و در نتیجه آن ضرری مستقیم به او وارد آمده است متعهد مکلف به جبران خسارت است مگر اینکه اثبات نماید که عدم اجرا ناشی از امری است که خارج از حیطه‌ی اقتدار و اختیار او بوده است.

علت خارجی که سبب معافیت متعهد از مسئولیت می‌باشد بر دو نوع تقسیم می‌شود: (صفایی سید حسین، ۱۳۸۶، ص ۲۱۶)

۱- قوه‌ی قهریه

۲- تقصیر متعهدله یا شخص ثالث

د- جبران خسارت طبق قرارداد یا عرف یا قانون لازم باشد

جهت تبیین این شرط از ماده‌ی ۲۲۱ قانون مدنی کمک می‌گیریم مطابق این ماده: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسؤول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله‌ی تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد».

یعنی متعهد در سه مورد مسؤول خسارت طرف مقابل دانسته شده است.

اول اینکه: جبران خسارت در عقد تصریح شده باشد یعنی در صورت تخلف، مکلف به جبران خسارت است و چنانچه میزان خسارت نیز از قبل در قرارداد تعیین شده باشد، نیازی به اثبات ضرر نیست و صرف تخلف برای مطالبه‌ی وجه التزام کافی است.

دوم اینکه: عرف جبران خسارت ناشی از عدم انجام تعهد را لازم بداند اگرچه صریحاً در عقد قید نشده باشد. (کاتوزیان ناصر، ۱۳۸۰، ص ۳۰۶)

سوم اینکه: جبران خسارت مطابق قانون الزامی دانسته شود.

اول، هنگامی که مسئولیت ناشی از صدمه‌های بدنی و لطمه به حقوق مربوط به.

در گفتار بعد به بحث در مورد عدم اجرای تعهدی که موضوع آن وجه نقد است با تأکید بر چگونگی و میزان محاسبه خسارت عدم انجام یا تأخیر در تأدیه‌ی تعهدات براتی می‌پردازیم.

- خسارت تأخیر در تعهدی که موضوع آن وجه نقد است

به جهت اینکه خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد از لحاظ اجتماعی و اقتصادی دارای اهمیت ویژه می‌باشد و به منظور ممانعت از رباخواری نرخ آن در مقررات کشورهای مختلف محدود شده است. خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد احکام خاصی را در بر می‌گیرد که با قواعد عمومی جبران خسارت تفاوت می‌کند این احکام خاص در بسیاری موارد با نظم عمومی ارتباط دارد و در شمار قواعد محدود کننده آزادی قرارداد است بعضی از نویسندگان حقوق این ویژگی‌ها را چنین خلاصه کرده‌اند. (کاتوزیان ناصر، ۱۳۸۰، ص ۱۶۴)

۱- حق خسارت خواستن موکول به مطالبه‌ی رسمی طلب است؛

۲- ورود خسارت نیاز به اثبات ندارد و مفروض است؛

۳- میزان خسارت بطور مقطوع در قانون معین شده است؛

۴- گرفتن خسارت از خسارت ممنوع است؛

در مورد مطالبه‌ی برات و سفته و چک، قانون تجارت اعتراض عدم تأدیه را ملاک تعیین خسارت تأخیر تأدیه قرار داده است. (۳۰۴ و ۳۰۹ و ۳۱۴ قانون تجارت) ماده‌ی ۳۰۴ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «خسارت تأخیر تأدیه مبلغ برات که بواسطه‌ی عدم تأدیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه‌ی دعوی محسوب می‌شود.

در مواردی قانون‌گذار اظهار نامه را برای اثبات مطالبه کافی نمی‌داند و خسارت را تنها از تاریخ اقامه‌ی دعوی قابل مطالبه می‌داند بطور مثال قسمت اخیر ماده‌ی ۳۰۴ قانون تجارت به این مورد اشاره دارد. نکته‌ی ویژگی اول این است که قاعده‌ی مربوط به لزوم مطالبه‌ی رسمی در امور مدنی تخلف ناپذیر و امری نیست و در واقع طرفین می‌توانند ضمن قراردادی که درباره‌ی خسارت تأخیر تأدیه می‌بندند، آغاز محاسبه آن را نیز به‌طور صریح یا ضمنی معین کنند و این توافق از جهت آغاز محاسبه خسارت نافذ است و ضرورتی برای ارسال اظهارنامه یا اقامه دعوی احساس نمی‌شود، حال آنکه نفوذ قرارداد خصوصی درباره‌ی آغاز حق مطالبه‌ی خسارت نسبت به سفته و برات و چک اعتراض شده مورد تردید است زیرا علاوه بر وجود صراحت و قاطعیت در م ۳۰۴ قانون تجارت نسبت به احتساب خسارت از روز اعتراض، ماده ۲۹۵ قانون تجارت نیز بیان می‌دارد: «هیچ نوشته‌ای نمی‌تواند از طرف دارنده‌ی برات جای‌گیر اعتراض‌نامه شود...» به عبارت دیگر ضمن قرارداد خصوصی نمی‌توان مبدأ محاسبه خسارت را وعده برات یا ابلاغ اظهارنامه معین کرد ولی به نظر برخی اساتید حقوق:

«می‌توان تاریخ محاسبه را مدتی پس از اعتراض (ده روز بعد از ابلاغ اعتراض‌نامه) قرارداد زیرا این اقدام به منزله‌ی اسقاط حقی است که قانون برای دارنده برات می‌شناسد» (کاتوزیان ناصر، ۱۳۸۰، ص ۲۶۷) استثنای این ویژگی مطابق تبصره ۴ ماده‌ی ۳۴ قانون ثبت اصلاح شده در سال ۱۳۵۱ که بیان می‌دارد: «در مورد معاملات مذکور در م ۳۳ و معاملات رهنی زیان دیرکرد از تاریخ انقضای سند و در مورد رهن تصرف از زمان تخلیه و تحویل تعلق خواهد گرفت...» در معاملات شرطی و رهنی است که تعلق خسارت تأخیر تأدیه منوط به مطالبه‌ی رسمی نیست و از تاریخ انقضای سند یا تحویل مورد رهن محسوب می‌شود. (کاتوزیان ناصر، ۱۳۸۰، ص ۲۶۸) در مورد ویژگی دوم نیز بنابر غلبه، طلبکار پول بی‌نیاز از اثبات ورود ضرر دانسته شده است زیرا همواره فرض بر این است که در نتیجه‌ی اهمال مدیون در غالب موارد طلبکار از تأخیر پرداخت زیان می‌بیند یا سودی را از دست می‌دهد و به نظر برخی از اساتید این حکم قانون از مبنای خود دورافتاده و همچون فرضی تخلف ناپذیر در شمار قواعد موضوعی درآمده است یعنی بدهکار با اثبات اینکه طلبکار هیچ زبانی از تأخیر ندیده از دادن خسارت معاف نمی‌شود. (کاتوزیان ناصر، ۱۳۸۰، ص ۲۶۸)

۵-۳- میزان خسارت تأخیر تأدیه

چنانچه مبنای خسارت تأخیر تأدیه عدم‌النفع باشد، در این صورت میزان خسارت متناسب با میزان منفعت ممکن‌الحصول از پول خواهد بود. در حقوق غربی که اصولاً اخذ بهره مباح است میزان خسارت تأخیر تأدیه معادل نرخ رسمی بهره است. در کشور ما که مبنای خسارت تأخیر تأدیه کاهش ارزش پول است، نرخ خسارت تأخیر معادل نرخ تورم که از سوی مرجع رسمی (بانک مرکزی) اعلام می‌گردد، خواهد بود. ماده ۴۸ کنوانسیون ژنو ۱۹۳۰ و ماده ۴۵ کنوانسیون ژنو ۱۹۳۱ نرخ ۶٪ در سال را به عنوان مبنای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه تعیین نموده‌اند.

ماده ۷۰ کنوانسیون آنستیرال از تعیین نرخ بهره خودداری نموده و در پاراگراف ۲ نرخ بهره در محل اقامه‌ی دعوی را به رسمیت شناخته است.

در حقوق ایران، ماده ۲۵۰ قانون تجارت صرفاً با بکارگیری اصطلاح «متفرعات» الزام مسئول سند به پرداخت بهره در ازای تأخیر پرداخت را پذیرفته است:

«هر یک از مسئولین تأدیه برات می‌تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراض‌نامه و صورت‌حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید بپردازد موکول کند.»

در گذشته، با توجه به عدم تعیین نرخ بهره در ماده فوق قهراً گریزی از رجوع به قانون آئین دادرسی مدنی و مبنا قرار دادن نرخ ۱۲٪ مذکور در ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ نبوده است. تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی همان‌گونه که اشاره شد به مبنا قرار گرفتن فوت مالیت پول منجر شده و در ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ بدین صورت تجلی یافته است. (کاویانی کوروش، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰)

«در دعوایی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند.» در این ماده نکات زیر قابل توجه است:

اولاً: عدم‌النفع قابل مطالبه نیست.

ثانیاً: فوت مالیت تنها در صورت تغییر فاحش قیمت‌ها موجب محکومیت بدهکار می‌گردد. ضمن اینکه در تمیز میان تغییر قیمت فاحش از غیر آن نکات قابل تأملی وجود دارد و مبنای آن معلوم نیست.

ثالثاً: امتناع از پراخت علی‌رغم تمکن، رابطه سببیت میان فعل بدهکار و زیان وارده را تحقق می‌بخشد. به عبارت دیگر عدم تأدیه فی نفسه ضمان آور نیست.

۵-۴- مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه

«در مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجه سند، تردید میان مبدأ قرار دادن سررسید سند و تاریخ مطالبه وجه است. انتخاب هر یک از این دو مبدأ واجد دلایل موجهه‌ای است، اما به نظر می‌رسد که گرایش قانون‌گذار به انتخاب تاریخ مطالبه وجه و یا به عبارت دیگر تاریخ ارائه سند به عنوان مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه است.

بند *b* پاراگراف (۱) ماده ۷۰ کنوانسیون آنستیرال تاریخ ارائه را مبدأ محاسبه خسارت قرار داده است. کنوانسیون ژنو راجع به چک در ماده ۴۵ به همین معنا تصریح دارد و متقابلاً ماده ۴۸ کنوانسیون ژنو راجع به برات و سفته در ماده ۴۸ تاریخ سررسید را به عنوان مبدأ محاسبه تعیین نموده است.»
ماده ۳۰۴ قانون تجارت مقرر می‌دارد:

«خسارت تأخیر مبلغ اصلی برات که بواسطه عدم تأدیه اعتراض شده است، از روز اعتراض محسوب، می‌شود»

متقابلاً ماده واحده قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک تاریخ مندرج در چک را مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه قرار داده است و نه تاریخ مطالبه وجه چک را، بعلاوه ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب ظاهراً سررسید طلب را ملاک محاسبه قرار داده است و نه زمان مطالبه طلب را، اما تأکید ماده بر ضرورت مطالبه مؤید این معناست که باید از ظاهر عدول نموده و زمان مطالبه را مبدأ مورد نظر مقنن تلقی نمود.

به هر حال در فرضی که به عنوان مثال بدهکار مکلف به پرداخت بدهی در تاریخ معین به حساب خاصی باشد، محاسبه خسارت از مبدأ سررسید با ایرادی مواجه نیست، اما در فرضی که تحقق ادای تکلیف پرداخت مستلزم مطالبه باشد هم چنانکه در حقوق اسناد تجاری چنین است، ملاک قرار دادن تاریخ مطالبه عادلانه‌تر به نظر می‌رسد.

بنابراین برای تفسیر هماهنگ تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون صدور چک با ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب ممکن است چنین تعبیر کنیم که این حکم ناظر به مورد اغلب است که اشخاص چک را یا فوراً به بانک ارائه می‌کنند یا فاصله میان صدور و مطالبه بسیار اندک و قابل اغماض است. بنابراین در فرضی که فاصله میان این دو زمان عرفاً قابل اعتنا باشد، تاریخ مطالبه ملاک محاسبه است» (کاویانی کوروش، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲)

نظر مختار

به نظر می‌رسد در تعهدات براتی و هنگام صدور سند اعم از برات و سفته و چک، متعهد و صادرکننده ضمن تعیین سررسید و زمان ایفاء تعهد خود را ملزم به ادای دین در تاریخ مقرر می‌نماید و ذکر کلمه‌ی مطالبه در ماده ۵۲۲ ق. آیین دادرسی مدنی نه از جهت تعیین مبدأ محاسبه خسارت تأخیر، بلکه به جهت

اظهار تمایل طلبکار به دریافت خسارت است فلذا برای تفسیر هماهنگ تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون صدور چک با ماده‌ی ۳۰۴ قانون تجارت و ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی باید بگوییم صرفاً تاریخ سررسید سند ملاک محاسبه است و زمان مطالبه و اقامه‌ی دعوا در این احتساب دخالتی ندارد.

نتیجه گیری

ایفاء تعهدات برواتی از اقسام تعهدات مدنی است که تابع قواعد عام وفاء به عهد و قانون مدنی است مگر اینکه قانون تجارت قواعد خاصی را برای آن اختیار نموده باشد به منظور تامین سرعت و دقتی که لازمه امور تجاری و معاملات بازرگانان می‌باشد از برخی جهات نظام حقوقی وفاء به عهد براتی را از قواعد عام مستثنی نموده است. ایفاء تعهد برواتی مانند سایر تعهدات مدنی بر مبنای شخصی که وفاء به عهد می‌نماید به ایفاء تعهد بوسیله متعهد و شخص ثالث تقسیم می‌گردد.

مهلت قضائی در برات و سفته مطابق نص صریح قانون تجارت قابل اعطاء نیست و در چک حکم صریح وجود ندارد، ماده ۳۱۴ قانون تجارت با صراحت حکم ماده ۲۶۹ راجع به چک را قابل اعمال ندانسته است بنابراین در دکترین حقوقی نسبت به موضوع اختلاف نظر وجود دارد، برخی با تاکید بر اطلاق عبارت در ضمانت صادر کننده و ظهر نویسان در ماده ۳۱۴ معتقدند حکم ماده ۲۶۸ نسبت به چک لازم‌الرعایه است زیرا عدم امکان مهلت قضائی یکی از فروع بحث مسئولیت صادر کننده و ظهر نویس است و مطابق دیدگاه دوم به دلیل عدم صراحت ماده ۳۱۴ در خصوص لازم‌الرعایه بودن حکم ماده ۲۶۹ در چک مهلت قضائی تابع قاعده عام مقرر در قانون مدنی دانسته‌اند و دادگاه می‌تواند به ظهر نویس یا صادر کننده چک برای پرداخت مهلت قضائی اعطاء نماید به دلیل اختلاف در رویه قضائی و دکترین پیشنهاد می‌شود به منظور یکسان سازی نظام حاکم بر ایفاء تعهد برواتی قانون‌گذار به طور صریح اعطاء این مهلت قضائی در چک را نیز منع نماید.

باوجود اختلاف نظر در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت مطالبه خسارت تادیه در موارد قانونی می‌توان گفت این موضوع قابل مطالبه است زیرا ماده ۳۰۴ قانون تجارت و ماده واحده استفساریه مطالبه آن را به رسمیت شناخته و در حال حاضر مسئولین تعهدات برواتی در صورت تاخیر ملزم است به دارنده سند بپردازد. اشکال عمده در این رابطه ناهماهنگی مقررات حاکم بر ارتباط مبداء محاسبه خسارت می‌باشد و رویکرد مناسب سازگار با قواعد همان است که در ماده ۳۰۴ پیش بینی و مبداء محاسبه را تاریخ تنظیم وخواست عدم تادیه پیش‌بینی نموده است. ماده واحده قانون استفساریه بر خلاف این رویکرد منطقی مبداء محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک را تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت ذکر نموده لذا پیشنهاد میشود جهت همسان سازی نظام حاکم و از آنجائی که در هر سه سند متعهد با تعیین سررسید ملتزم به ایفاء دین در آن تاریخ می‌باشند بنابراین مبداء محاسبه خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید باشد.

فهرست منابع

الف) کتاب

- ۱- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک) تهران، انتشارات سمت، چاپ ۱۳۸۱ و ۱۳۷۹.
- ۲- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت تطبیقی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول ۱۳۷۳.
- ۳- امامی، سید حسن، حقوق مدنی ج ۱ تهران، انتشارات اسلامیة چاپ پانزدهم ۱۳۸۰.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دائره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، ج ۱، تهران، چاپخانه مشغل آزادی، چاپ اول، ۲۵۳۷ شاهنشاهی.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، تهران، گنج دانش، چاپ سوم ۱۳۷۸.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱.
- ۷- دمیرچلی، محمد، حاتمی، علی و ترائی محسن، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات میثاق عدالت چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
- ۸- ستوده‌ی تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد سوم، تهران، نشر دادگستر، چاپ هشتم ۱۳۸۳.
- ۹- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت سوم، تهران، نشر دادگستر، چاپ هفدهم ۱۳۸۹.
- ۱۰- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم ۱۳۸۰.
- ۱۱- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، تهران، انتشارات مجد، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
- ۱۲- صقری، محمد، حقوق بازرگانی اسناد، «برگزیده‌ی آموزشی» تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۱۳- عرفانی، محمد، حقوق تجارت ج ۱، تهران، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ نهم ۱۳۷۸.
- ۱۴- قنوتی جلیل، وحدتی بشیری، سید حسن و عبدی پور، ابراهیم، زیر نظر محقق داماد، دکتر سید مصطفی، حقوق قراردادهای در فقه امامیه، ج ۱، تهران انتشارات سمت چاپ اول ۱۳۷۹.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، ج ۴، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ سوم ۱۳۸۰.
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول ۱۳۷۰.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۲.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، ج ۱، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم ۱۳۸۵.
- ۱۹- کاویانی، کوروش، حقوق اسناد تجاری، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۷.
- ۲۰- عرفانی محمود، حقوق تجارت به زبان ساده، تهران، چاپ چهاردهم، زمستان ۱۳۹۱.

ب) جزوه درسی

- ۲۱- اخلاقی، بهروز، درس حقوق تجارت کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال دوم سال تحصیلی ۷۲-۷۱ (پلی کیپی).
- ۲۲- اخلاقی، بهروز، درس حقوق تجارت ۳ کارشناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال اول سال تحصیلی ۷۴-۷۳ جزوه (پلی کیپی).
- ۲۳- فخاری، امیرحسین، درس حقوق تجارت ۳، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، جزوه (پلی کیپی).
- ۲۴- فخاری، امیرحسین، درس حقوق تجارت کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع) نیمسال دوم ۸۳-۸۴

ج) مقاله

- ۲۳- اسکینی، ربیعا، قواعد حاکم بر تعهد تجاری در حقوق ایران، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۶ قابل دسترسی در <http://www.vekalat.org/-public.php>
- ۲۴- رضوی پور، نازیلا، معاون دفتر حقوقی وزارت صنایع و معادن، اصول حاکم بر اسناد تجاری، سایت علمی دانشجویان ایران. <http://www.daneshju.ir/forum/f4999/t28677.html>

